

حکام خلافت عربی در طبرستان*

از سال ۱۸ تا ۳۲۸ / ۶۳۹ تا ۹۴۰-۹۳۹

هدف این مقاله تاحدامکان تهیه فهرستی کامل باتاریخ‌های تقریبی از حکومت حکامی است که از طرف خلفا یا امرای نیمه مستقل خراسان بطبرستان فرستاده شدند. یکی از مشکلات اساسی که در مطالعه آثار مورخین عرب بآن برمیخوریم این است که باید دانست آیا این شخصیت‌ها مأموریت رسمی دریافت میکردند و یا بعلت قرار گرفتن در رأس يك لشکر کشتی نظامی بطور موقت در آن سرزمین حکومت کرده‌اند؟

اکثر امرای عرب از همان آغاز فتح ایران بطبرستان راه یافتند اما فقط در حدود سال ۷۵۹-۷۵۸/۱۴۱ یعنی سال تقریبی اشغال ساری است که این ایالت بوسیله اشخاص مخصوصی که از طرف خلیفه بغداد جهت این امر فرستاده میشدند اداره شد. تنها در اوائل همین فتح اخیر است که مشاهده میکنیم سرتاسر این سرزمین توسط سپاهیان خلافت عربی اشغال می‌شود.

دست نشانندگان خلیفه در شهرهای بزرگ نظیر ساری، آمل و کججو (پایتخت رویان) سکنی داشتند و سیاستی که تعقیب میکردند ما را بیاد سیاست «قائد»های

*- این مقاله قسمت دوم از سلسله مقالات «تاریخ مازندران و فرمانروایان آن سامان» است که قسمت اول آن درباره «سلسله‌هایی که در مازندران فرمانروائی کرده‌اند» در شماره چهارم سال سیزدهم و شماره‌های اول و سوم سال چهاردهم بچاپ رسید.

بزرگ که درمراکش مورد قبول مارشال لیوتی شد میاندازد. حکام بموجب این سیاست حکومت مردم نواحی کوهستانات را با اختیارات تام بدست شاهزادگان خانواده‌های سلطنتی سابق میدادند مشروط بر اینکه این شاهزادگان مرتباً مالیات پردازند و همچنین سپاه تهیه کنند. بنظر میرسد که امرای ساری و آمل و رویان اغلب اوقات از همدیگر مستقل بوده‌اند و همین امر مؤید ضرب سکه‌های متناوب است که روی آنها اسامی مختلف بچشم می‌خورد. گاهگاهی طبرستان خود قسمتی از یک حکومت خیلی مهم محسوب می‌شد که حاکم آن بوسیله یک یا چند دست نشانده شناخته می‌شد و اختلاط اسامی از همین جا ناشی می‌شود. اغلب بقدری تضاد درباره اسامی و سنوات در نزد مورخین عرب و ایرانی دیده می‌شود که انسان نمیداند کدام را قبول کند. تنه‌مانابع قابل اعتماد کتیبه‌ها و سکه‌هاست. خوشبختانه باوجود عدم کتیبه‌های مربوط بعصر ما نحن فیه اکثر حکام دستور ضرب سکه‌هایی که روی آنها اسامی‌شان دیده می‌شود داده‌اند. ارقام سنوات منقوش روی این سکه‌ها بر حسب تاریخ جدید طبرستان می‌باشد که از ۱۱ ژوئن ۱۶۵۲ یعنی از تاریخ مرگ یزدگرد شروع میشود.

۱- مجموعه سکه‌هایی که ما اسم می‌بریم عبارتند از: آلوت دولافوی (Allotte de la Fuye)، مجموعه کلنل آلوت دولافوی، ورسای، برلن، موزه قیصر فردریک، استانبول، موزه استانبول؛ لندن، موزه بریتانیا، مسکو، مجموعه زوبوف (Zubov) که اکنون جزو «موزه تاریخی» است؛ پاریس، کتابخانه ملی.

جز آنهائی که علامت ستاره روی آنها گذاشته شد قرائت این سکه‌ها بوسیله M. J. Walker از شعبه مسکوکات و نشانهای موزه بریتانیا بعمل آمده است.

قرائت سکه‌هایی که با دو علامت ستاره مشخص شده‌اند غلط است و با کاملاً مشکوک.

تاریخی که ما از روی سکه‌ها برای حکامی که بنام خود دستور ضرب داده‌اند تعیین می‌کنیم هنگامی قطعی خواهد بود که قرائت صحیحی از کلکسیون Zubov و استانبول بعمل آید. هنگامیکه ما مشغول نوشتن این مقاله بودیم هنوز بررسی مخصوص آقای دکتر Unvala درباره سکه‌های طبرستان منتشر نشده بود ولی ایشان سکه‌های مذکور در ذیل را بمن نشان*

منابع مورد مراجعه ما عبارتند از :

بلادزی ، یعقوبی^۱ ، طبری ، ابن الاثیر ، یاقوت^۲ ، تاریخ ابن اسفندیار ترجمه
E. G. Browne ، تاریخ طبرستان ، رویان و مازندران میرظهیرالدین مرعشی ، منتشر
شده بوسیله B. Dorn La Chronographia Islamica et la Chronographia ،
Le manuel de généalogie و (Chrnoqr.) Leone Caetani از generale
et de chronologie pour l'histoire de l' Islām . زامباور . ا .

* دادند . این سکه ها می توانند تاریخ حکام طبرستان را تعدیل کنند : مقاتل ، ۱۲۶ ، تاریخ طبرستان ؛
هانی ، ۱۲۹ ؛ بی نام ۱۳۸ ؛ مقاتل ، ۱۴۰ و ۱۴۱ ؛ یحیی ، ۱۴۰ [سپتامبر ۱۹۳۸] .

فهرست حکام طبرستان از روی سکه های ضرب شده بدین قرار است :

روح بن حاتم ۱۴۸-۱۴۷ ه .

خالد بن برمک ؟ ۱۵۵-۱۵۴-۱۵۳-۱۵۲-۱۵۱-۱۵۱؟-۱۵۱-۱۵۰-۱۲۰؟-۱۱۹-

۱۱۷؟ ۱۱۶ .

عمر بن العلاء ۱۲۹-۱۲۰؟ ۱۱۸؟ ۱۶۴-۱۶۳-۱۵۵-۱۵۴؟ ۱۵۲-۱۵۳

سعید بن دعلج ۱۲۹-۱۲۵ ۱۶۴-۱۶۳-۱۶۰-۱۵۹

یحیی بن مخنف ۱۳۰-۱۲۹ ۱۶۵-۱۶۴-۱۶۳

یحیی بن داود حرشی ۱۳۱ ۱۶۶-۱۶۵

جریر ۱۳۷-۱۳۵ ۱۷۱-۱۷۰-۱۶۹

سلیمان بن موسی ۱۳۷-۱۳۶-۱۳۳؟ ۱۷۱-۱۷۲؟ ۱۶۷-۱۶۸

معدّ ۱۳۸ ۱۳۶؟ ۱۷۳ ۱۷۱؟

مقاتل ۱۳۸ ۱۳۶؟ ۱۷۴ ۱۷۳؟

هانی بن هانی ۱۳۸-۱۳۷ ۱۷۴-۱۷۳

عبدالله بن قحطبه ۱۴۰-۱۳۹ ۱۷۴-۱۷۵-۱۷۶

قدید ۱۴۰ ۱۷۵-۱۷۶

ابراهیم ۱۴۱-۱۴۰ ۱۷۶-۱۷۷-۱۷۵

۱- Les Pays ترجمه Gaston wiet ، قاهره ، ۱۹۳۷ .

۲- Auszüge ، دورن ،

الف - سکا و خلایق

عمر، ۶۴۴-۶۴۳/۲۳-۱۳

۱- سوید بن عمرو بن مقرن المزنی ۱۸/۶۳۹ تا ۶۴۳-۶۴۲/۲۲ (Chronogr.)

۲۵۲؛ بلاذری، ۱۶۴، ۲۲۸؛ طبری، ۲، ۲۶۶۰-۲۶۵۷؛ یاقوت، ۱۴، ۱۵.

طبری می نویسد که در سال ۶۴۳-۶۴۲/۲۲ سوید از طرف عمویش؟ نعیم بن مقرن بامر عمر مأمور فتح ناحیه بسطام و ایالات گرگان و طبرستان شد. روزبان صول بن روزبان شاه گرگان بوی تسلیم و قبول اسلام و خراج کرد.

قرخان نیز که در این عصر فرمانروای طبرستان و گیلان بود با سایر امرای آن سامان متعهد شد که سالیانه ۵۰۰۰۰۰ درهم بعنوان مالیات پردازد. اسناد این تسلیم که بامضای سوید رسیده و طبری از آن نهایی می کند مربوط بسال ۱۸/۶۳۹ می باشد.

عثمان، ۶۵۶-۶۴۴/۳۵-۲۳

۲- سعید بن العاص بن سعید بن العاص بن امیه بن عبد شمس^۱، ۶۵۱-۶۵۰/۳۰

Chonogr., ۳۱۴، ۳۲۰؛ طبری، ۱، ۲۸۳۹-۲۸۳۵ و ۱۳۲۲، ۲؛ یاقوت، ۳۴؛ یعقوبی، ۸۲).

بسال ۶۵۱-۶۵۰/۳۰ سعید بن العاص حاکم کوفه بود. وی در همین سال و یا گفته بعضی دیگر از مورخین در سال ۶۵۰-۶۴۹/۲۹ بهمراهی حذیفه بن الیمان و امام حسن بن علی بن ابیطالب و امام حسین بن علی بن ابیطالب^۱ و عبدالله بن العباس و عبدالله بن

۱- ر.ک: دائرة المعارف اسلامی، ۴، ۶۸

۲- گفته ابن اسفندیار در زمان خلافت عمر امام حسن بن علی بن ابیطالب بهمراهی سپاهی که تحت فرمان مالک اشتر النخعی بود از مامظیر شهر بارفروش کنونی (اسفندیار، ۲۷) دیدن کرد. چند صفحه بعد مینویسد که اعراب تحت رهبری امام حسن بن علی بن ابیطالب و عبدالله بن عمر بن الخطاب و حذیفه بن الیمان و قطام بن العباس و مالک بن الحارث الاشتر النخعی تا آمد پیش رفتند. چون امید مردم طبرستان قطع شد باورا فرمانروائی برگزیدند و رشته مرگ و زندگی خود بدست او سپردند. باومهاجمین را براند و مدت ۱۵ سال فرمان راند (اسفندیار، ۹۸ و ظهیر، ۲۷۲). باوجود اینکه بین لشکر کشی سعید بن العاص و آغاز فرمانروائی باو (۶۶۶-۶۶۵/۴۵) ۱۵ سال فاصله هست ولی بنظر میرسد که تمام این وقایع به لشکر کسی سال ۵۴/۶۷۴ متعلق باشد.

عمر و عبدالله بن عمرو بن العاص و عبدالله بن زبیر و عده‌ای دیگر گریان را متصرف شد و تا همیشه و نامنه (در ۲۰ فرسخی ساری) درمرز گریان و طبرستان پیش رفت و شاه گریان را بپرداخت ۲۰۰۰۰۰ درهم مالیات و ادار کرد. در نتیجه اهالی این سامان خراج سالیانه‌ها که بین ۱۰۰۰۰۰ و ۳۰۰۰۰۰۰ درهم نوسان می‌کرد می‌پرداختند ولی مورخین عرب مجبورند و انمود کنند که مدتی این پرداخت‌ها معوق ماند و آنان دوباره بدین سابق برگشتند. این امر تا زمان یزید بن مهلب بدین منوال باقی ماند. بقدری از هجوم اهالی گریان در وحشت بودند که قاصدهائی که بخراسان می‌رفتند از راه فارس و کرمان نیز استفاده می‌کردند.

بنی امیه : معاویه اول ۶۸۰-۶۶۱-۶۰-۴۱

۳- مصقلة بن هبيرة بن الشبل الشيباني، ۵۴/۶۷۴ (Chrnoogr.)، ۴۷۴ و ۵۹۸؛ طبری ۲، ۱۳۲۲؛ اسفندیار، ۱۰۰ و ۱۰۷؛ ظهیر، ۴۵ و ۲۷۳؛ یاقوت، ۳۴ و ۳۵).
در سال ۵۴/۶۷۴ ضحاک بن قیس که از طرف معاویه در کوفه حکومت داشت مصقلة بن هبیره^۲ را برای جنگ بطبرستان فرستاد. وی پس از دو سال نبرد با اسپهبد فرخان بزرگ با تمامی لشگریان خود که بگفته مورخین چهار هزار یا ده هزار یا بیست هزار نفر بودند در محلی بین کجو و کندسان در کجور (در رویان) که بعد هادره^۳ مصقلة نامیده شد بهلاکت رسید. وقتی که از امر محالی صحبت می‌شد گفته می‌شد: «وقتی که مصقلة بطبرستان دوباره برگردد این کار عملی خواهد شد».

عبد الملک، ۷۱۵-۷۱۶-۸۶-۶۵

۴- محمد بن الأشعث بن قیس الکندی. (بلادری، ۳۳۵).

۱- در Chronographia سال ۶۶۳-۶۶۲/۴۲ سال لشکر کشی مصقله در طبرستان قید شده است، اما بلادری و قتیبه هیچ یک تاریخ این حوادث را تصریح نمی‌کنند.
۲- مصقلة بن هبیره بسال ۶۵۹-۳۸/۶۵۸ از طرف حضرت علی حاکم شهر اردشیر خره^۴ بود. رک: طبری، ۱، ۳۴۳۹.

وی از طرف عبیدالله بن زیاد بن ابی سفیان^۱ حاکم طبرستان شد و معاهده‌ای با ساکنین آنجا منعقد کرد. مردم طبرستان با شکمیائی انتظار می کشیدند که وی در گردنه‌های کوهستانات آنان گیر کند تا او را مورد حمله قرار داده شکست دهند. پسرش ابوبکر در این گردنه‌ها بقتل رسید.

۵- اسحق بن محمد ۶۹۷-۶۹۶/۷۷ (طبری، ۲، ۱۰۱۸).

وی پسر حاکم چهارم است و بسال ۶۹۷-۶۹۶/۷۷ فرمانده سپاهیان کوفه در طبرستان بود.

۶- سفیان بن ابی‌الایرد الکلبی ۷۰۱-۶۹۷-۸۲/۶۹۶-۷۷ (۹۳۶ و ۹۱۸-۹۱۷، Chronogr.؛ طبری، ۲، ۱۰۲۰-۱۰۱۸؛ اسفندیار، ۱۰، ۱۰۴، ۱۰۵؛ ظهیر، ۴۵، ۴۶).

چون قطری بن الفجاءه خارجی بطبرستان پناهنده شد حجاج بن یوسف^۲ بسال ۶۹۷-۶۹۶/۷۷ سفیان را به همراهی سپاهیان شام و عراق مأمور حمله بوی کرد. حجاج نامه‌ای نیز به اسحق محمد بن الاشعث که فرمانده دسته‌ای از سپاه کوفه در طبرستان بود نوشت که از او امر سفیان اطاعت کند. قطری از سفیان شکست خورده بدست وی بقتل رسید. سفیان خود را در دماوند و طبرستان مستقر کرده همانجا اقامت گزید تا اینکه حجاج قبل از وقایع دیر جماجم ویرا احضار نمود (شعبان ۸۲/ سپتامبر ۷۰۱)^۳ نوشته ابن اسفندیار با مطالب سابق الذکر مغایر است. اسپهبد فرخان که در دماوند بود به سفیان پیشنهاد کرد بشرط اینکه هرگز اعراب بطبرستان داخل نشوند حاضر است ویرا یاری کند. پس از آنکه این شرایط مورد قبول واقع شد فرخان

۱- از سال ۵۳ تا ۶۷۵/۵۵۴-۶۷۴ عبیدالله حاکم خراسان شد. رك: یعقوبی، ۱۱۷، پاورقی شماره ۱۱۸ و ۶، و پاورقی شماره ۱ و دائرة المعارف اسلامی، ۴، ۱۰۳۷.

۲- رك: دائرة المعارف، ۲، ۲۱۵.

۳- رك: طبری، ۲، ۱۰۲۱.

بمنظور تعقیب خارجی راه سمنان در پیش گرفته او را بکشت و سرش را به پیش سفیان فرستاد. بنظر میرسد که قطری بسال ۶۹۹-۷۹۸/۶۹۸ کشته شده است.

سلیمان، ۷۱۷-۷۱۵/۹۹-۹۶

۷- یزید بن مهلب بن ابی صفره الازدی^۱، ۷۱۸-۷۱۷/۷۱۶-۹۹-۹۸ (۱۲۳۸)، ۱۲۰۶-۱۲۰۵، ۱۱۹۲؛ Chronogr.؛ طبری، ۲، ۱۳۲۵-۱۳۱۷؛ اسفندیار، ۱۹۰-۱۰۵؛ ظهیر، ۴۶، ۲۷۳؛ یاقوت، ۳۵).

در سال ۷۱۷-۷۱۶/۹۸ بفرمان خلیفه سلیمان، یزید گرگان را متصرف شد و اسد بن عبدالله الازدی را بنمایندگی خود در آنجا بگذاشت. سپس بطبرستان راه یافت ولی اسپهبد دیالمه را بیماری طلبید و بشدت در برابر مهاجمین مقاومت کرد. چون موفقیت قطعی نصیب هیچ کدام از حریفان نشد یزید با اسپهبد صلح کرد. در این میان اهالی گرگان شورش کرده پادگان عرب را که در آنجا مانده بود بقتل رساندند. مرزبان آنان که به یزید نزدیک بود بقلعه الوجاه پناهنده شد. یزید ۴۰۰۰۰ زندانی را قتل عام کرد و پس از آنکه جهم بن زحر بن قیس الجعفی^۲ را بنمایندگی خود در گرگان تعیین کرد بخراسان رفت. بگفته ابن اسفندیار یزید تاساری پیش رفت ولی لشکریانش بدبختی های زیادی را متحمل شدند و مجبور شد ۳۰۰۰۰۰ درهم با اسپهبد پرداخت کند تا بوی اجازه دهد بدون اینکه آزاری بکشد با سپاهیان خود مراجعت کند. بنظر میرسد که این لشکر کشی دو سال طول کشیده است^۳.

۱- رك : دائرة المعارف ، ۴ ، ۱۲۲۷ . در سال ۷۰۲-۸۲/۷۰۱ یزید بجانشینی پدرش مهلب بن ابی صفره حاکم خراسان شد. سپس از طرف حجاج احضار شد. چند روز پس از مرگ حجاج سلیمان بخلافت رسید (۹۶/۷۱۵) و یزید را بحکومت عراق و خراسان منصوب کرد. پس از آنکه عمر بن عبدالعزیز (۹۹-۱۱۷) بخلافت رسید یزید را احضار کرده بقتل رساند . رك : یعقوبی ، ۱۲۲ ، ۱۲۳ ، ۱۲۵ .

۲- در سال ۷۱۹-۷۱۸/۱۰۰ جهم بن زحر نماینده یزید در گرگان به الجراح حاکم خراسان که از خویشاوندان خودش بود پناهنده شد .

۳- رك : اسفندیار ، ۱۰۷-۱۰۶ .

مروان دوم، ۷۴۹-۷۴۴/۷۴۴-۱۳۲-۱۳۷

۸- قحطبه بن شیبب الطائی النقیب^۱، ۷۴۸/۱۳۰ (۱۶۸۰، ۱۴۵۸، Chronogr. وطبری، ۲، ۲۰۱۶).

نباتة بن حنظله که از طرف بنی امیه حاکم گرگان بود^۲ نصر بن سیار را که در ذی قعدة ۱۳۰/ ژوئیه ۷۴۸ از نیشابور فرار کرده بود و قحطبه بن شیبب فرمانده ابومسلم را تهدید میکرد پناه داد. قحطبه بتعقیب فراری پرداخت و وارد گرگان شد و شهر گرگان را متصرف گردید و ۳۰۰۰۰ نفر از ساکنین آنرا قتل عام کرد. سال بعد قحطبه و پسرش حسن قومس و سمنان و ری را اشغال کردند و در صفر ۱۳۱/ اکتبر ۷۴۸ وارد آنجا شدند. اسپهبد طبرستان بوی تسلیم شد ولی مصمغان دماوند بشدت در مقابل تمام حملات ابومسلم مقاومت کرد.

بنی عباس : منصور ۷۷۵-۷۵۴-۱۵۸-۱۳۶

از مطالب سابق الذکر چنین مستفاد میشود که هیچ یک از حکام عرب نتوانسته اند حقیقتاً مأموریت خود را در محل اجرا کنند. اشخاصی که اداره ایالت بآنان تفویض

۱- رك: دائرة المعارف، ۲، ۶۶۸.

۲- در سال ۷۳۴-۷۳۳/۱۱۵ یا ۷۳۵-۷۳۴/۱۱۶ پس از قیام حارث بن سریج اسد بن عبدالله القسری مرو و گرگان را متصرف شده بود. رك: Chronogr.، ۱۴۴۹، وطبری، ۲، ۱۵۶۶ و صفحات بعد.

هنگامیکه مروان دوم بخلافت رسید (۷۴۴/۱۲۷) ابومسلم در خراسان تفوق داشت و در سال ۷۴۸-۷۴۷/۱۳۰ قدرت وی در این ایالت بلامنازع بود و سال بعد کتباً به اسپهبد اخطار کرد که از وی اطاعت کند. رك: یعقوبی، ۱۲۸، ۱۲۹ و ابن اثیر، ۵، ۳۶۴.

پس سال ۷۴۹-۱۳۱/۷۴۸ یکی از اقدامات ابومسلم برای شکست دادن مصمغان دماوند نتیجه اسف آوری بخشید. موسی بن کعب که فرمانده سپاهیان وی بود بعلمت موانع ارضی از طرف مردان مصمغان مورد حمله قرار گرفت و مجبور شد بری رود. (رك: دائرة المعارف، ۳، ۴۵۲، ابن اثیر، ۵، ۳۰۴ و حافظ ابرو در Ausyüge از درن، ۴۴۱).

شده بود فرماندهانی بودند که خود مأموریت تصرف ایالت مذکور را داشتند. طبرستان نیز مثل سایر نواحی مستقل از خلافت عربی بود جز اینکه متناوباً خراج پرداخت میکرد. مذهب باستانی همیشه باقی بود و اتحاد را بر علیه حکومت مرکزی تحکیم میکرد. از زمان منصور قدرت و نفوذ خلافت بشدت محسوس می شد.

ابومسلم^۱ حاکم خراسان در سال ۷۵۴-۱۳۶/۷۵۳ از طرف خلیفه منصور احضار شد^۲. وی پیش از آنکه بعراق عزیمت کند تمام دارائی خود را بنزد دوست خود سنباد (سندباد) فیروز گذاشت. چون سنباد خبردار شد که وی بامر خلیفه در مدائن بسال ۷۵۵-۱۳۷/۷۵۴ بقتل رسیده است^۳ خزائن او را بعنوان امانت به پیش اسپهبد خورشید طبرستان بفرستاد. لشکریان خلیفه بفرماندهی جهور بن مرار العجلی^۴ بتعقیب سندباد پرداختند وی نیز در همان سال بین همدان وری کشته شد^۵.

چون اسپهبد خورشید از تسلیم خزائن ابومسلم و سنباد امتناع ورزید خلیفه خشمناک شده پسرش مهدی را بری فرستاد^۶. در نتیجه اسپهبد راضی شد همان مالیاتی

۱- رك : دائرة المعارف، ۱، ۱۰۳.

۲- رك : Chronogr. ۸۰.

۳- رك : Chronogr. ۱۱۳.

۴- رك : Chronogr. ۱۱۰ جهور بن مرار العجلی در سال ۷۵۶-۱۳۸/۷۵۵ در

ری قیام کرد منصور محمد بن الاشعث الخزاعی را بجنگ او بفرستاد.

۵- رك : Chronogr. ۱۳۹ طبری، ۳، ۱۲۲-۱۱۹. بروون جهور بن مرار قید کرده است.

۶- رك : طبری، ۳، ۱۲۰. بنوشتۀ ابن اسفندیار (۱۱۲، ۱۱۷، ۱۱۸) سنباد که

از طرف لشکریان خلیفه تعقیب میشد بطبرستان فرار کرده خواستار حمایت اسپهبد شد. اسپهبد عموزاده اش طوس را با هدایائی به استقبال او فرستاد. طوس از اسب خود پیاده شد تا مراسم احترام را بجای آورد ولی سنباد روی اسب بایستاد و کمی بایی احترامی بوی جواب داد. طوس آزرده خاطر شده شمیری به سنباد حواله کرد سپس سراو را بریده باروبنه^۷ او را به پیش اسپهبد بفرستاد.

۷- پس از قیام عبدالجبار بن عبدالرحمن که بسال ۷۵۸-۱۴۰/۷۵۷ (رك : ۱۸۴

Chronogr. ودائرة المعارف، ۱، ۲۸) حاکم خراسان شده بود منصور پسرش مهدی را که جاننشین

خلافت بود با سپاهی بری فرستاد. وی در سال ۱۴۱ (یعقوبی، ۱۲۹) بری رسید. در همان سال عبدالجبار بدست اهالی مرو و رود زندانی شده تسلیم خازم بن خزیمه فرمانده سپاه مهدی شد.

(Chronogr. ۲۱۲).

را که طبرستان به پادشاه ساسانی پرداخت می‌کرد بدر بار بغداد ارسال کند. اسپهبد خورشید قرار دادی را که با خلیفه امضاء کرده بود نقض^۱ و بر علیه منصور قیام کرده عده کثیری از مسلمین را که در طبرستان اقامت داشتند بقتل رساند^۲. اما بگفته ابن اسفندیار مالیاتی که اسپهبد فرستاده بود حرص خلیفه را برای تصرف اینچنین ایالتی پر ثروت برانگیخت و به مهدی فرمان داد که سپاهی بفرماندهی ابوالخصیب مرزوق و خازم بن خزیمه و روح بن حاتم بچنگ اسپهبد بفرستد. اسپهبد خانواده و دارائی خود را بقلعه طاق فرستاده^۳ خود برای جمع آوری سپاهی بدیلم رفت. مدت دو سال در آنجا بود و چون شنید که قلعه طاق بدست سپاهیان خلیفه افتاده و بخزائن و زنان و دختران وی دست یافته‌اند از ناامیدی خود را در حدود سال ۷۶۲-۷۶۱/۱۴۴ مسموم کرد^۴.

۱- بگفته ابن اسفندیار خلیفه توسط مهدی درخواست که اجازه داده شود دسته‌ای از سپاهیان وی جهت حمله به عبدالجبار درخراسان از طبرستان بگذرند این تقاضا با بی‌ملاحظگی پذیرفته شد. مهدی ابوالخصیب را از راه زارم و شاه کوه و ابوعون بن عبدالله را از راه گرگان بطبرستان فرستاد که بهم ملحق شوند. تمام طبرستان بوسیله این دو فرمانده اشغال شد.

۲- رك : طبری، ۱۳، ۱۳۹.

۳- اسم این قلعه عائشه کرگیلی دز بود، (اسفندیار ۱۲۱ و ظهیر ۴۹).

۴- مشکل است که تاریخ این وقایع را صراحتاً پیدا کرد. ظهیر سال ۷۵۵-۱۳۷/۷۵۴ را سال اشغال آمل ثبت کرده است. ابن اسفندیار می‌نویسد که ابوالخصیب مسجد بزرگ ساری را در یک دوشنبه ماه آبان ۵۷۸-۷۵۷/۱۴۰ یعنی در جشن سالیانه فتح آمل و طبرستان بنا نهاد. اکثر مورخین فتح طبرستان را در سال ۷۵۹-۷۸۵/۱۴۱ یا ۷۶۰-۷۵۹/۱۴۲ و مرگ خورشید را در سال ۷۶۱-۷۶۰/۱۴۳ یا ۷۶۲-۷۶۱/۱۴۴ می‌دانند. از خورشید سکه‌هایی از ۷۴۹-۷۴۷/۷۴۱-۸۹/۱۳۰ تا ۷۶۷-۷۶۶/۱۵۰-۱۱۵/۱۴۹ در دست داریم. واضح است که اعراب پس از مرگ وی بنام اوسکه‌ها زده‌اند. (رك، Vasmer، دائرة المعارف، ۳، ۴۹۱، و مخصوصاً، Vasmer, Die Eroberung Tabaristān's durch die Araber zur Zeit des Chalifen al-man šūr. Islamica Leipzig, t. III, P. 165- 186).

آگاپیوس منبیچی (رك: Patrologia Orientalis, VIII, 539/279) در سال ۷۵۹-۱۴۱/۷۵۸ از قیام حسن بن حران در گرگان صحبت میکند. شورش از نواحی کوهستانی بحر خزر تا آذربایجان ادامه می‌یابد. مؤلف چنین می‌گوید: «این ناحیه از دریاها و کوه‌ها»

۹- ابوالحسن مرزوق السعدی^۱. ۷۶۱-۷۶۰-۷۵۹-۷۵۸/۷۵۸-۱۴۳-۱۴۱ (۲۷۴)

و احاطه شده است. دیالمه در قسمت غرب آن و آذربایجان در جنوبش می باشد. تنگه های صعب العبور و جاده های باریک دسترسی باین منطقه را مشکل می کند. طول آن از شرق تا غرب در مسیر ساحل ۴۰ فرسخ است. چمنهای وسیع بزرگ و چشمه های فراوان و درختان انبوه و میوه های گوناگون در آنجا یافت می شود. پنج شهر دیده می شود که هر یک دو یاسه حصار دارد. حصارهای زیادی در قلعه کوه های بلند بنا شده اند. مردم این سامان اندام های ظریف و رنگ خیلی خوبی دارند و در هنرهای مختلف مهارت دارند و بالاخره جمعیت انبوهی را تشکیل میدهند و اسپهبدان بن زمان کورشید (خورشید) نام داشت.

۱- بگفته ابن اسفندیار و میرظهرالدین صورت اسامی حکام طبرستان بقرار ذیل است:

حکام	ابن اسفندیار .	ظهرالدین .
ابوالخصیب مرزوق	۱-۲ سال، ۱۴۲-۵۱۴۱ .	۱-۳ سال .
نخازم بن خزیمه	۲-۱ سال، ۱۴۳ .	۲-۲ سال .
ابوالعباس طوسی	۳- از قلم افتاده .	۳-۱ سال .
روح بن حاتم	۴-۱ سال، ۱۴۴ .	۴-۱ سال .
خالد بن برمک	۵-۴ سال .	۵-۴ سال .
عمر بن العلاء	۶- بوسیله مهدی عزل شد .	۶- ۷ سال بوسیله مهدی . عزل شد .
سعید بن دعلج	۷-۳ سال .	۷-۳ سال .
عمر بن العلاء	۸-۱ سال .	۸-۳ سال .
یحیی بن مخنف	۹-	۹- از قلم افتاده .
عبدالمجید مضروب	۱۰-	۱۰-۲ سال .
روح بن حاتم	تکرار شده شماره ۴ .	از قلم افتاده .
خالد بن برمک	تکرار شده شماره ۵ .	از قلم افتاده .
عمر بن العلاء	تکرار شده شماره ۶ .	از قلم افتاده .
تیم بن سنان	۱۱-	۱۱-
یزید بن مزید	۱۲-	۱۲-
حسن بن قحطبه		۱۲ مکرر .
سلیمان بن موسی		
(منصور؟)	۱۳-۸ ماه .	۱۳-۸ ماه .
هان بن هانی	۱۴-	۱۴-
عبدالله بن قحطبه	۱۵-	۱۵-
عثمان بن ناهیک	۱۶-	۱۶- از قلم افتاده .
سعید بن سلمه	۱۷-۷ ماه .	۱۷-۶ ماه * .

Chronogr. وطبری، ۱۳۶، ۳، ۱۳۷، ۱۳۹، ۱۴۰، واسفندیار، ۱۲۲، ۱۲۳ و ظهیر، ۴۸، ۲۷۳، ۲۷۴، ۳۲۵ و یاقوت، (۳۳).

وی اولین حاکم خلافت عباسی طبرستان است^۱. او ساکنین ساری را بقبول آئین تشیع وا داشت و بنای مسجد بزرگ ساری را شروع کرد و مدت دو^۲ یا سه^۳ سال در طبرستان حکومت کرد.

۱۰- ابو خزیمه خازم بن خزیمه التمیمی^۴، ۷۶۳ - ۷۶۲ - ۷۶۱/۱۴۵ - ۱۴۴ Chronogr. وطبری، ۳، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۳۹، ۱۴۰، واسفندیار، ۱۲۳ و ظهیر، ۲۷۴، ۳۲۵ و یعقوبی، ۱۳۰، ۱۳۱ و یاقوت، (۳۵).

خازم بن خزیمه جانشین ابوالخصیب شده در سراسر طبرستان پادگانی دائر

* جمال و عبدالله

ابن عبدالعزیز ۱۸ و ۱۸ مکرر .

عبدالله بن عبدل

عزیز حماد

-۱۸

۱۹-۱۶ ماه، ۱۷۷.

مثنی بن حجاج

۲۰-۱ سال.

عبدالمکک قعقاع

عبدالله بن خازم

محمد بن یحیی

موسی بن یحیی

جهضم بن خباب

خلیفه بن سعد

عبدالله بن سمید ۲۵-۱۸۷ ماه، ۱۸۷.

عبدالله بن مالک

محمد بن حفص

موسی بن محمد

بندار بن مونی

۱- بروون ابوالخصیب و ظهیرالدین ابوالخصیب مرزوق السندی قید کرده اند .

۶- رک : اسفندیار، ۱۷۳ و ظهیر ۲۷۴ .

۳- رک : ظهیر ، ۳۲۵ .

۴- ظهیرالدین خزیمه ذکر میکند. بگفته زامباور خازم بن خزیمه در سال ۸۶۸-۷۶۷/

۱۵۰ حاکم خراسان شد .

کرد^۱ و بسیاری از اشراف گران را بکشت. وی دو^۲ یا سه^۳ سال حکومت کرد.

۱۱- ابوالعباس فضل بن سلیمان طوسی^۴، ۷۶۴-۷۶۳/۱۴۶ (ظہیر، ۲۷۴،

۳۲۵).

وی بجای خازم بن خزیمه نشست و یک سال بعد عزل شد^۵.

۱۲- روح بن حاتم بن قیصر، ۷۶۵-۱۴۷/۷۶۴ (سکه‌هایش بسال ۱۴۷ و ۱۴۸

ه. است^۶. دائرة المعارف، ۳، ۱۲۵۳ و طبری، ۳، ۱۳۹ و ۱۴۰ و اسفندیار، ۱۲۴، ۱۲۹

۱- فهرست این ساخلوها و تعداد سر بازان آن بترتیب زیر است :

آمل ۳۰۰- ارتا ۵۰۰- اصرم ۵۰۰- اسرامیل ۵۰۰- اورا را باد در بالای بریجه ۵۰۰- اوسر زین
۱۰۰۰- بهرام ده ۵۰۰- (چالوس) (۵۰۰)- چمنو ۱۰۰۰- دو آب ۵۰۰- فاریم ۵۰۰- فتح فسلاب ۵۰۰-
گیلان آباد در بالای رانیکوه ۱۰۰۰- هلاوان ۵۰۰- خرم آباد ۱۰۰۰- خشک رود ۵۰۰- اسفندیار ۳۰۰-
جابران ۳۰۰- جور یسجد سید آباد ۵۰۰- کجو پایتخت رویان ۶۰۰- کلار- سرحد دیلم
۱۰۰۰- قراطوغان بالا رام ۵۰۰- کوهستان دو بجم ۱۰۰۰- کولا ۳۰۰- کوسان ۳۰۰-
کوسان ۵۰۰- مامطر ۱۰۰۰- مسله زرین کول ۱۰۰۰- مروان ۱۰۰۰- تاتل ۵۰۰-
نیشاپوریه ۳۰۰- پای دشت ۵۰۰- روا ۳۰۰- رودبار در دوفرسخی تمیشه ۵۰۰- (سید آباد)،
(۱۰۰۰)- السعیدی ۵۰۰- سالیان نزدیک لافور ۱۰۰۰- سامته ۵۰۰- ساری ۱۰۰۰- طابران
۵۰۰- تمیشه ۱۰۰۰- تریچا ۱۵۰۰- اوزدره ۳۰۰- ولاش گرد ۸۰۰- یزدانا باد ۵۰۰-
زیروان در پنجاه هزار ۱۰۰۰ : مجموعاً ۴۶ پادگان با ۴۰۵۰۰ سر باز : رك : اسفندیار ،

۱۲۲، ۱۲۳ و ظہیر، ۱۵۵، ۱۵۶ .

۲- رك : اسفندیار، ۱۲۳ .

۳- رك : ظہیر، ۲۷۴، ۳۲۵ .

۴- مهدی در سال ۷۸۳-۱۶۶/۷۸۲ بکرگان رفت و فضل بن سلیمان بجای مسیب بن

زیر ضبی حاکم سیستان و خراسان شد و در سال ۷۸۸-۱۷۱/۷۸۷ پست خود را ترك کرد. رك :

طبری، ۵۱۷، ۵۱۸ و یعقوبی، ۱۳۲ .

۵- در ترجمه ابن اسفندیار ا.ج. بروون این موضوع ذکر نشده است .

۶- در مجموعه سکه‌های بریتیش موزیوم نام روح در حاشیه دودرهم طبرستان دیده می شود

و مربوط بسالهای ۱۴۷ و ۱۴۸ می باشند . Lane Poole مطالبی درباره سکه اول انتشار داده

است (Catalogue, t. IX, P. 43, no 56 a et pl. IV) . بریتیش موزیوم سکه دوم را

در سال ۱۹۲۲ بدست آورده که مطالبی درباره آن نوشته نشده است. يك درهم دیگر طبرستان*

وظهر، ۱۵۹، ۲۷۴ و یاقوت، ۳۵ و یعقوبی، ۱۳۰).

تا این جا منبع تاریخ ما گفته‌های مؤلفین است. از روح بن حاتم تا ابراهیم، ما سکه‌هایی در دسترس داریم و می‌توانیم از نزدیک با تاریخ تماس داشته باشیم. بگفته ابن اسفندیار چون مردم امیدوار کوه از جور و ستم حکام خلیفه بستوه آمدند شورش کردند و نداد هر مزد پیشوائی آنان را بعهده گرفت و یک روز در طبرستان جهت قتل عام تمام اعراب تعیین شد. چون عمر بن العلاء با خلیفه روابط خوبی نداشت ویرا

*مر بوط بسال ۱۴۶ به دانشگاه آمریکائی بیروت متعلق است که در سال ۱۹۲۱ Porter در Numismatic Chronicle درباره آن توضیحاتی داده است. وی نام حاکم را ذکر کرده است ولی طبق معمول این اسم در میان دوائر حاشیه سکه مخفی شده است. شاید Porter آن را ندیده است. زامباور در P.5. 1922. Num. Zeit. از این سکه صحبت می‌کند.

۱- چون ابوالخصیب هنگام قیام عبدالجبار در خراسان از طرف مهدی مأمور تصرف طبرستان شد عمر بن العلاء را بعنوان راهنما انتخاب کرد زیرا بعلت قتلی که در گرگان اتفاق افتاده بود و عمر متهم آن بود و به اسپهبد پناهنده شده بود او بعلت اقامت طولانی در این ناحیه شناسائی کاملی از این منطقه داشت. عمر با ۲۰۰۰ سوار بآمل تاخت. مرزبانی که از طرف اسپهبد در شهر حکومت می‌کرد مغلوب شده بقتل رسید. عمر بن العلاء (در سال ۷۵۴-۱۳۷/۷۵۱ بگفته ظهیر، صفحه ۲۷۳) آمل را اشغال کرد. وی طرز اداره صحیحی را بنا نهاد و اهالی را بقبول اسلام دعوت کرد. چون رعایا از آزار و اذیت اسپهبد بستوه آمده بودند عدده کثیری دین جدید را پذیرفتند. در این اثنا عبدالجبار در گذشت و چون خیال اشغال کنندگان از ناحیه خراسان آسوده بود توانستند خود را در طبرستان مستقر کنند. باراهنمائی ابرویز بن المصمغان (مشهور به مصمغان ملک بن دینار دماوندی) عمر بن العلاء بفرماندهی سپاه فرستاده شده بطبرستان منصوب شد. ابرویز که با برادرش در نزاع بود در سال ۷۵۹-۱۴۱/۷۵۸ به پیش منصور رفت و منصور مقرری جهت او تعیین کرد. برادرش فرمانروای دماوند با پدرزنش اسپهبد خورشید در طبرستان در جنگ و جدال بود. چون خبردار شد که سپاهیان منصور بسوی طبرستان رهسپار شدند برای اینکه در مقابل مهاجم مقاومت کند با خویشاوند خود شروع بسازش کرد. رك: دائرة المعارف، ۳، ۴۵۲ و طبری ۱۳۱، ۱۳۶، ۱۳۷.

در زمان حکومت خازم بن خزیمه عمر بن العلاء کجو پایتخت رویان را با سپاه ۶۰۰۰ نفری

اشغال کرد.

از این کشتار معاف کردند. چون خلیفه از خبر قتل عام مطلع شد سالم^۱ را که به «شیطان فرغانه» ملقب بود بطبرستان فرستاد ولی کشته شد. امیر فراشه^۲ که مأمور گرفتن انتقام او بود بقتل رسید. روح بن حاتم که نبیره زاده مهلب بن ابی صفره^۳ بود از طرف مهدی بحکومت طبرستان تعیین شد^۴. روح جباری بدخلق بود و بعلت جور و ستم خود سال بعد احضار شد.

۱۳- خالد بن برمک^۵، ۷۷۱-۷۶۷/۱۵۴-۱۵۰ (سکه هایش ۱۵۱-۱۵۰/۱۱۶* و ۱۵۴-۱۵۳-۱۵۲-۱۵۱/۱۱۹-۱۱۷ و ۱۵۵-۱۵۴/۱۲۰* و اسفندیار، ۱۲۴، ۱۲۶، ۱۲۸، ۱۳۰ و ظهیر، ۱۵۹، ۲۷۴، ۳۲۵).

بنظر میرسد که حکومت طبرستان بوسیله اشخاصی که نسبت به محل بیگانه بودند مستحسن نمی نمود، بدون شك خلیفه خالد بن برمک را که ایرانی بود بمنظور تسکین عمومی بحکومت طبرستان منصوب کرد^۶.

چون طبرستان مثل گیلان در سر راه سپاهیان اسلامی نبود لہذا هیچگونه امتیاز نظامی و سوق الجیشی برای خلیفه نداشت. باتحکیم تسلط خلافت در خراسان و عراق

- ۱- رك : اسفندیار، ۴۳، ۱۲۸-۱۲۶، ظهیر، ۱۵۸-۱۵۶.
- ۲- رك : اسفندیار، ۴۳، ۴۴، ۱۲۸ و ظهیر، ۱۵۹-۱۵۸ و طبری، ۳، ۵۲۱ و ۱۰۱۱ از فارشه نامی صحبت میکند ولی بدون شك وی همان شخص نیست.
- ۳- مادر شماره ۷ یزید بن مهلب را ثبت کرده ایم.
- ۴- بگفته ابن اسفندیار (صفحه ۱۲۴) در سال ۷۶۲-۷۶۱/۱۴۴.
- ۵- خالد که درین سالهای ۷۶۵/۱۴۸ و ۷۶۹/۱۵۲ حاکم طبرستان شد با تصرف آخرین قلمرو مسمغان در نزدیکی کوه دماوند بنفوذ او خاتمه داد. رك : دائرة المعارف، ۱، ۶۸۱ زامباور می نویسد که خالد از سال ۷۶۵/۱۴۸ تا ۷۶۸/۱۵۱ حاکم طبرستان و موصل شد.
- ۶- برلن، ۱۱۷، ۱۱۸، لندن ۱۱۸، ۱۱۹، مسکو، ۱۱۶*، ۱۲۰*.
- ۷- بگفته زامباور حکام طبرستان عبارتند از: ۱۴۱ هـ. عمر بن العلاء، اولین بار-۱۴۸، خالد بن برمک-۱۵۴، عمر بن العلاء، دومین بار-۱۵۸، سعید بن دعلج-۱۶۲، عمر بن العلاء، سومین بار-۱۶۶، ابوصالح یحیی بن داود بن مندود الحارثی-۱۶۷، عمر بن العلاء، چهارمین بار-۱۰۰۰۰، قدید-۱۲۰، سلیمان بن منصور-۱۷۱، هانی بن هانی.

دیگر طبرستان و همه‌ای ایجاد نمی کرد و فقط گاهی در مواقع شورش و هرج و مرج است که نواحی بسطام و سمنان و ری و قزوین بوسیله سپاهیان و فرمانروایان طبرستان اشغال شد. امتیاز اصلی طبرستان و گیلان مربوط به عوایدی بود که بخزانه می‌رساند. با وجود تمام سعی و کوشش خود سیاست عباسی نتوانست طبرستان را تسلیم خود کند حتی بعداً مجبور شد حکومت این ناحیه را یکی از افراد خاندان سابق و اگذار کند و بدین نحو یک ایالت تحت الحمايه تغییر شکل یافته درست کرد. بالاخره عباسیان طبرستان را به امرای طاهریان واگذار کردند که با تأسیس یک سلسله ملی در خراسان از نفوذ خلافت کاستند.

خالد بن برمک جانشین روح بن حاتم مقر حکومت خود را در محلی که بنام او خالد سرای خوانده شد بنا نهاد و هم چنین قصری در آمل ساخت.

وی روابط دوستانه با اسپهبد و نداد هر مزد برقرار کرد و بوی اجازه داد که با کمال آرامش کوهستانها را در دست داشته باشد خالد چهار سال در طبرستان حکومت کرد^۱ و چندین ابنیه عمومی بساخت و نیز عوائد ایالت را توسعه داد.

۱۴- عمر بن العلابن المطلب، اولین بار ۷۷۷-۷۷۸-۱-۷۷۷-۷۷۸-۱۶۱/۷۷۰-۱۵۴ (سکه‌هایش: ۱۵۳-۱۵۲/۱۱۸*، ۱۶۴-۱۶۳-۱۵۵-۱۵۴/۱۲۹-۱۲۰^۲). اسفندیار،

۱- رك: ابن اسفندیار و ظهیرالدین.

۲- Allotte de la Fuye، ۱۲۵-۱۲۰، ۱۲۸، ۱۲۹، برلن ۱۲۵-۱۲۱، ۱۲۷-۱۲۹؛ استانبول، ۱۱۸ (قرائت مفلوط است). *۱۲۶، لندن، ۱۲۲-۱۲۰، ۱۲۷-۱۲۹؛ پاریس، ۱۲۴، ۱۲۷، ۱۲۸. تورنبرگ *۱۲۶.

نام عمر در روی سکه‌ها از ۱۲۰ تا ۱۲۵ بخط پهلوی و از سال ۱۲۲ بعمد بخط پهلوی و کوفی و مدتی بعد فقط بخط کوفی دیده می‌شود. رك: واسمر، دائرة المعارف، ۳، ۴۹۱. بنظر میرسد که سکه‌های مربوط بسال ۱۲۹ در زمان دومین حکومت عمر بن العلابن شده است.

زامباور در Contributions جلد ۱، صفحه ۲۳ درباره يك فلس مربوط بسال ۱۴۵ توضیحاتی می‌دهد. تاریخ این سکه که بطرز ناقص نوشته شده ۱۵۵ نیز خوانده می‌شود.*

۱۲۰، ۱۲۵-۱۲۳، ۱۳۰، ۱۳۱ و ظهیر، ۴۸، ۴۹، ۵۲، ۱۵۵، ۱۵۶، ۲۷۵-۲۷۳، ۳۲۵ و یاقوت، ۲۱، ۳۵).

عمر بن العلاء جانشین خالد بن برمک شد و در زمان حکومت وی مهدی بخلافت رسید. (۶ ذیحجه ۱۸۵هـ: ۱۵ اکتبر ۷۷۵) چون خبردار شد که عمر بن العلاء دختر مهرویه نامی را^۱ بهمسری گرفته است سخت غضبناک شده ویرا عزل کرد. بگفته ظهیر الدین (ظهیر، ۳۲۵) عمر بن العلاء هفت سال حکومت کرده است.

مهدی ۷۸۵-۷۷۵/۱۶۹-۱۵۸

۱۵- سعید بن دعلج التمیمی، ۶۸۰-۶۷۹-۶۷۶-۶۷۵/۱۶۳-۱۶۰ (سکه‌هایش ۱۶۴-۱۶۳-۱۶۰-۱۵۹/۱۲۹-۱۲۵. طبری، ۳، ۴۹۴: ۳۷۸-۳۷۹ و اسفندیار، ۱۲۴، ۱۲۵ و ظهیر، ۱۵۶، ۲۷۴، ۳۲۵ و یعقوبی، ۲۹).

سعید که جانشین عمر شد مدت دو یاسه سال در پست خود باقی ماند^۲. وی شهر سعید آباد را در رویان بنام نهاد و عمر بن العلاء آنرا با تمام رساند در سال ۷۷۹-۷۷۸/۱۶۲ عمر برای فرونشاندن شورش که در آنجا شروع شده بود از طبرستان بگریگان منتقل شد.

در طول همین سال طبرستان و رویان بوسیله سعید بن دعلج و گریگان توسط

در پائین نوشته مرکزی فلس کلمه « عمد » بچشم می خورد. احتمال می رود که زامباور آنرا تزیینی دانسته است ولی قطعاً بخط کوفی می توان آن را « عمر » خواند. وی از يك فلس طبرستان (همان منبع جلد ۱، صفحه ۲۴) نیز صحبت میکند که مربوط بسال ۱۵۷ است و روی آن عبارت « علی یدی عبدالله عمر بن العلاء مرصه (۴) » خوانده می شود.

۱- ما نتوانستیم این شخص را بشناسیم. در زمانهای بعدی به مهرویه نامی رازی که حاکم رویان بود بر می خوریم.

۲- Allotte de la Fuye، ۱۲۲-۱۲۵؛ برلن ۱۲۷-۱۲۵؛ استانبول ۱۲۹؛ لندن ۱۲۶، ۱۲۷؛ مسکو ۱۲۸؛ پاریس ۱۲۸.

۳- دوسال و سه ماه (اسفندیار، ۱۲۵)، سه سال (ظهیر، ۲۷۴ و ۳۲۵).

مهلهل بن صفوان اداره شد.^۱

۱۶- عمر بن العلاء برای دومین بار ، ۷۸۱-۷۸۰-۷۸۰-۷۸۰-۷۸۰-۷۷۹/۱۶۴-۱۶۳

(طبری، ۳، ۵۰۰ و اسفندیار ۱۲۵ و ظهیر ۲۷۴، ۲۷۵، ۳۲۵) در سال ۷۸۰-۷۷۹/۱۶۳

عمر بن العلاء جانشین سعید بن دعلج شد . بگفته ابن اسفندیار يك سال پس از زلزله

عظیم^۲ یحیی بن مخنق^۳ بجای او نشست . بگفته ظهیر^۴ دومین دوره حکومت عمر نه

سال طول کشید .

۱۷- یحیی بن مخنق، ۷۸۲-۷۸۱-۷۸۱-۷۸۱-۷۸۰/۱۶۵-۱۶۴ (سکه‌های بنام

یحیی مربوط اند بساله‌های^۵ ۱۶۵-۱۶۴-۱۶۴-۱۶۳/۱۳۰-۱۲۹ . اسفندیار ، ۱۲۵ و

خواندمیر، ۲۷۵) .

۱۸- عبدالحمید مضروب ، ۷۸۳-۷۸۲-۷۸۲-۷۸۱/۱۶۶-۱۶۵ (اسفندیار ،

۱۲۵، و ظهیر، ۲۷۵، ۳۲۵) .

وی بجای یحیی بن مخنق بحکومت نشست و برای اهالی مالیاتی جدید و

سنگین تحمیل کرد و نداد هر مزد ویرا از آنجا براند. بگفته ظهیر وی دو سال حکومت

کرده است .

۱۹- یحیی بن داود حرشی^۶، ۷۸۴-۷۸۳-۷۸۳-۷۸۲/۱۶۷-۱۶۶ (سکه‌هایش

۱۶۶-۱۳۱/۱۶۵-۱۶۶ بنام حرشی^۷ . طبری، ۳، ۵۱۸، ۵۲۰) .

۱- رك: طبری، ۳، ۴۹۳ .

۲- تصریح تاریخ این زلزله برای ما ممکن نیست .

۳- رك: اسفندیار، ۱۲۵ .

۴- رك: ظهیر، ۳۲۵ .

۵- استانبول، ۱۲۹؛ مسکو، *۱۳۰ .

۶- زامباور صالح یحیی بن داود بن مندود الحرشی ذکر میکند .

۷- تنها سکه حاوی نام حرشی که بدست ما رسیده است مربوط به کلکسیون بریتیش

موزیوم می باشد. M. J. Walker در Numismatic Chronicle, 1935, P. 253

بتوضیح آن پرداخته است. وی میگوید که مطالعات Dr. Unvala ویرا بر آن داشت که سال ۱۳۱ را

بر ۱۴۱ ترجیح دهد. از آن بعد آزمایش های تاریخی M. Walker را بقبول عقیده Dr. Unvala

واداشته است .

در سال ۷۸۳-۱۶۶/۷۸۲ وی حاکم طبرستان و رویان و گرگان شد. سال بعد هادی که وارث خلافت بود برای نبرد باونداد هرمزد و اسپهبد شروین با سپاهی عظیم بگرگان رفت. یحیی در سال ۷۸۴-۱۶۷/۷۸۳ حاضر شد و عمر بن العلاء بجای او حاکم طبرستان و رویان، و فارشه حاکم گرگان شد.

۲۰- عمر بن العلاء، برای سومین بار، ۷۸۴-۱۶۷/۷۸۳ (طبری، ۳، ۵۲۰، ۵۲۱). وی باونداد هرمزد نبرد کرده و لایق قطع بتعقیب او پرداخت تا آنجا که ونداد هرمزد نتوانست در اراضی جلگه‌ای اقامت کند و مجبور شد به جنگل‌ها پناهنده شود. روزی عمر بن العلاء در کمینگاهی گیر کرده توانست فقط با چند تن از همراهان خود نجات یابد. خلیفه پنجم آمده تیم بن سنان را بجای او فرستاد و تیم باونداد هرمزد صلح کرد.

سپس ونداد هرمزد قیام کرده لشکر اسلام را براند. عمر بن العلاء باو ملحق شده در رویان در گذشت.

عمر بن العلاء عمر کلاته در نزدیکی ونون در دابو و همچنین عمر آباد را بنا نهاد. وی و پسرش عبدالله در سعیدآباد مدفون شدند.

۲۱- تیم بن سنان،^۱ ۷۸۴-۱۶۷/۷۸۳ (اسفندیار، ۱۲۹، ۱۳۱؛ ظهیر، ۱۵۹).

۲۲- یزید بن مزید^۲ بن زائدان الشیبانی^۳، ۷۸۶ - ۷۸۵-۷۸۴-۱۶۹/۷۸۳

۱- ظهیرالدین مینوید که تیم بن سنان جانشین خالد بن برمک شد. ولی این موضوع اشتباه بنظر میرسد.

۲- پرفسور بروون یزید بن مرثاد نوشته است.

۳- اسفندیار در صفحه ۱۲۹ خوابی را که ونداد هرمزد دیده بود نقل میکند. وی ابتدا گرگی می بیند و آن را میکشد سپس گرگ دیگری می بیند که آنرا نیز میکشد بعد پلنگی می بیند پس از بریدن سرش پوست او را به تنش می کند و بعد شیری می بیند که با برداشتن جراحات زیاد بدشواری از چنگ او نجات می یابد. گرگ اول تیم بن سنان و دومی خلیفه بن مهران و پلنگه فرارنده و شیر یزید بن مزید بوده است.

۱۶۷- (طبری، ۳، ۵۱۹؛ اسفندیار، ۴۴، ۴۵، ۱۲۹، ۱۳۱؛ ظهیر، ۱۵۹؛ یعقوبی، ۹۷، ۱۳۱).

در سال ۷۸۴-۱۶۷/۷۸۳ هادی وارث تاج و تخت، همراه یزیدبن مزیداد بگرگان فرستاده شد. فرمانده مذکور و نداد هر مزد را شکست داد و اکثر همراهان او را بقتل رسانده تمام گران را اشغال کرد و چون در جنگ تن بتن به اسپهبد خورد و برایش شدت مجروح ساخت. و نداد هر مزد تقریباً تنها در جنگل‌ها سرگردان شد پس از آنکه وی از هادی وعده عفو گرفت خود را بوی تسلیم کرد و هادی به یزید فرمان داد که کوهستانهای او را بخودش مسترد دارند. چون خبر مرگ خلیفه (۲۲ محرم ۱۶۹/ ۵ اوت ۷۸۵) رسید هادی رهسپار بغداد شد و یزید نیز ویرا همراهی کرد. ۲۲ مکرر- حسن بن قحطبه، ۷۸۶-۷۸۵-۷۸۴-۷۸۳/۱۶۹-۱۶۷ (ظهیر، ۱۵۹). وی پسر حاکم شماره ۸ می باشد و همراه یزیدبن مزیداد در طبرستان بود و هر دو باونداد هر مزد در صلح و آرامش زیستند.

هادی، ۷۸۶-۷۸۵/۱۷۰-۱۶۹

۲۳- صالح بن شیخ بن عمیره الاسدی، ۷۸۶-۷۸۵/۱۶۹ (طبری، ۵۶۸.۳). وی در سال ۷۸۶-۱۶۹/۷۸۵ تازه بحکومت طبرستان منصوب شده بود.

بقیه دارد

۱- ابن اثیر (جلد ۴، صفحه ۸۵) می نویسد وقتی خبر مرگ پدرش به هادی رسید وی در گران بود.